

زمینه های تفاهم یا تعارض ادیان

احمد ترابی

حضور ادیان در گستره تاریخ زندگی بشر، دو کارکرد متفاوت - و چه بسا متضاد - را از خود برجای نهاده و به ثبت رسانده است.

دین همواره در جوامع انسانی محور وحدت و همدلی و تشریک مساعی گروه ها بوده و به مدنیت مجموعه های بشری کمک رسانده و در پرتو این مدنیت و الفت اجتماعی آثار عظیم علمی و هنری را پی نهاده است. با این حال نمی توان نادیده گرفت که به خاطر دین و باورهای دینی، اختلافها، جدالها و نبردهای فراوانی نیز رخ نموده است!

الفت آفرینی، وحدت بخشی، مهرورزی و انسجام اجتماعی از یک سو و مرزبندی های اعتقادی و ناهمسازی های رفتاری و اجتماعی از سوی دیگر، دو کارکرد متضاد ادیان در تاریخ گذشته امتهای بوده است! ولی آنچه مجال تأمل و تحقیق دارد این است که کدام یک از این دو کارکرد، برخاسته از متن و ماهیت ادیان بوده است و کدام یک عارضی و تحمیلی و ناخواسته به شمار می آید؟

در پاسخ به این پرسش، دو نظریه مشخص را می توان یادکرد:

۱. در منظر دین باوران، الفت آفرینی و سازندگی و تعالی بخشی از خصلتهای اصیل ادیان و روشها و اهداف زیربنایی انبیا است.

۲. در مقابل، دین ناباوران، اساساً نگرشهای دینی را مایه جزم اندیشی، تعصب، خصومت و مرزبندی میان خودی و غیرخودی به حساب آورده اند!

اکنون باید دید که خارج از این دو نظریه - که هر کدام به گونه ای متکی به باورهای پیشینی هستند - می توان منظری را گشود یا خیر؟

در پیمایش این مسیر می توان گفت: هر چند ادیان آسمانی به هدف تعالی بخشی و الفت آفرینی گام بر بستر زمین نهاده اند، اما به طور طبیعی دو ظرفیت متفاوت در متن ادیان وجود داشته است که هر یک به تناسب شرایط و مقتضیات و فهم و تفسیر پیروان، به فعلیت می پیوسته است.

استعداد ادیان برای انسجام آفرینی از یک سو و مرزبندی میان مجموعه ها از سوی دیگر، چونان استعداد انسان برای مهرورزی از یک سو و خشم و نفرت از سوی دیگر، امری کاملاً طبیعی و منطقی است. اما طبیعی بودن این دو قابلیت بدان معنی نیست که هرگونه کارکرد آن دو دارای نتایج یکسان و پذیرفتنی بوده و خواهد بود!

وجود استعداد‌های مختلف در یک مجموعه، بیش از هر چیز حکایت از ضرورت مدیریت برای بهره‌وری صحیح از آن استعدادها را دارد. بنابراین بخش مهمی از کارکرد ادیان در صحنه‌های اجتماعی زندگی بشر، مربوط به چگونگی مدیریت‌هایی است که از قابلیت‌های نهفته در متن ادیان بهره‌برده و بدان جهت داده‌اند. بنابراین کارکرد دوگانه ادیان را در وحدت بخشی به انسانها یا مرزبندی میان آنها باید به دو عامل درونی و بیرونی - درون دینی و برون دینی - مربوط دانست.

منظور از عامل درون دینی مجموعه مفاهیم و معارف بنیادی و روشها و راهکارهای مشخص دینی است که در کتب آسمانی و متون معتبر هر دین و آموزه‌های صریح و غیراجتهادی آن بیان شده است. و منظور از عامل برون دینی، برداشتهای رسمی و غیررسمی پیروان، تفسیرها، تأویلها، شرایط، ضرورتها و مناسبات حاکم بر آنهاست که بر آموزه‌های صریح و اصول معرفتی هر دین - خواه ناخواه - سایه افکنده و آنها را از عالم حقیقت و کلیت به صحنه تحقق و واقعیت نفوذ داده است.

درحقیقت عوامل برون دینی در حدّ فاصل میان آن حقیقت و این واقعیت قرار گرفته و می‌گیرند و به ظرفیتهای و قابلیت‌های نهفته ادیان جهت داده و به صورت متعادل و سازنده - و یا نامتعادل و ویرانگر - به آنها امکان بروز و ظهور می‌دهند.

زمینه‌های درون دینی برای همسازی ادیان

همه ادیان بزرگ جهان، برای بشر، حامل پیام نجات بخشی و سعادت آفرینی بوده‌اند، چنان که قرآن در این شمار تصریح کرده است:

«الذین یتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ... أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

اعراف/۱۵۷

ادیان آسمانی در رهگذر تأمین سعادت انسانها و هدایت آنها به سوی رستگاری، بر عنصر عقل و سرشت بشر تکیه داشته و خیرخواهی، مهرورزی، رعایت عدل و انصاف و حقوق انسانها، پرهیز از فساد و خون‌ریزی را از مخاطبان خود خواسته‌اند و این نوع آموزه‌ها که مشترک میان ادیان بوده، از یک سو وحدت و همدلی و همیاری میان پیروان یک دین و از سوی دیگر تفاهم و تعامل و امکان همسازی میان پیروان ادیان را تضمین نموده است.

قرآن در زمینه وحدت آفرینی دین میان متدینان و نیز اهتمام دین به تحقق عدالت و حاکمیت حق در جامعه بشری می‌گوید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهِمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» آل عمران/۱۰۳

«وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» حدید/۲۵

آیه نخست، نقش وحدت آفرینی و انسجام بخشی دین به مؤمنان را بیان کرده است و آیه دوم به تأثیرگذاری دین بر اجرای قسط و عدل در جامعه انسانی نظر دارد و البته این دو آیه نمونه‌ای است از ده‌ها آیه دیگر که هر کدام جنبه‌ای از جنبه‌های تعاون و عدالت اجتماعی را در پرتو تعالیم و حیانی مورد توجه قرار داده است.

علاوه بر وحدت درونی جامعه دینی و تعاون میان پیروان یک دین، موضوع همدلی و تفاهم ادیان و نیز پیروان آنان نیز از منظر قرآن مورد توجه بوده است:

«قل يا أهل الكتاب تعالوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم ألا نعبد إلا الله و لا نشرك به شيئاً و لا يتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله» آل عمران/ ۶۴

در این آیه، خداوند از همه پیروان ادیان آسمانی خواسته است تا به نقطه های مهم مشترک میان خود بیندیشند و نقطه های مشترک و پذیرفته شده همه ادیان را زیربنای تفاهم و تعامل میان یکدیگر قرار دهند؛ باورهای مشترکی که مظهر و چکیده آن عبارت است از:

۱. ایمان به خدای یگانه و پرستش او.
 ۲. پرهیز از پذیرش سلطه و استثمار و ربوبیت انسانها به جای حاکمیت و ربوبیت پروردگار جهان.
- علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه می نویسد:
- «فالمعنى: تعالوا نأخذ بهذه الكلمة متعاونين متعاضدين فى نشرها و العمل بما توجه به.»
- یعنی؛ بیايید تا کلمه توحید را محور همیاری و همکاری یکدیگر قرار دهیم و در جهت نشر اندیشه توحیدی و عمل به مقتضای آن بکوشیم.
- در قرآن آیات و مفاهیم دیگری نیز وجود دارد که هم زیستی و تعاون و تعامل ادیان آسمانی را مورد تأیید قرار داده است؛ هر چند آیه یاد شده از جمله صریح ترین آنها به شمار می آید.

عوامل درون دینی، مؤثر بر مرزبندی های اجتماعی

از سوی دیگر در متن ادیان نیز پیامها، باورها و آموزه هایی وجود دارد که به طور طبیعی و خواه ناخواه به مرزبندی های اجتماعی و تقسیم افراد و گروه ها به خودی و غیرخودی، مؤمن و کافر و دوست و دشمن می انجامد و یا دست کم ظرفیت چنین مرزگذاری را دارد. برخی از این عوامل عبارتند از:

۱. در متون و منابع وحیانی و معرفتی هر دین، عباراتی دیده می شود که حکایت از کمال و برتری آن دین بر سایر ادیان دارد، از آن جمله در قرآن به این آیات می توانیم اشاره کنیم:
- «و أنزلنا إليك الكتاب بالحقّ مصدّقاً لما بین یدیه من الكتاب و مهیماً علیّه»
- مائده/ ۴۸

و این کتاب - قرآن - را به راستی بر تو نازل کردیم، به طوری که تصدیق کننده کتابهای آسمانی پیشین و با این حال حاکم بر آنها باشد.

این آیه سخن از هیمنه و سیطره و برتری و حاکمیت معرفتی و محتوایی قرآن بر کتابهای آسمانی پیشین دارد، در حالی که برخی دیگر از آیات قرآن علاوه بر رجحان معرفتی و معنوی، درصدد بیان غلبه عینی و عملی در ساحت جامعه بشری نیز هست، مانند:

«هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون»

توبه/ ۳۳

اوست خدایی که رسولش را همراه با هدایت و دین حق فرستاد، تا دین حق را بر همه ادیان برتری بخشد، هر چند مشرکان این غلبه و برتری را خوش نداشته باشند.

«هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدین کلّه و کفی بالله شهیداً»

فتح/ ۲۸

اوست که پیامبرش را همراه با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کرده برتری بخشد و - برای تحقق این امر - داوری و گواهی و تأیید خدا کافی است.

برتری و غلبه بر سایر ادیان در دو فضای تاریخی قابل تصویر است:

الف. برتری یافتن اسلام بر سایر ادیان در عصر پیامبر و در جزیره العرب، چنان که این امر در زمان حیات رسول خدا تحقق یافت و جز خداوند کسان دیگری هم شاهد آن برتری ها بودند؛ مانند پیامبر(ص) و مؤمنان و حتی خود کافران و مشرکان و اهل کتاب.

ب. رجحان و تجلّی اسلام بر همه ادیان در آینده تاریخ بشر و در گستره کره خاک، که این امر می بایست در طول قرنهای متمادی و در پی نسلهای متوالی تحقق یابد، به طوری که بسیاری از نسلها قادر به داوری پیشاپیش نسبت به آن نباشند و تنها کسی که فراتر از حجاب زمان و مکان می تواند به رخداد این واقعیت گواهی دهد خداست و البته گواهی و داوری خداوند برای تحقق واقعیتی در آینده تاریخ، کافی است.

۲. ضرورت پیروی از حق و دین برتر و پیام کامل تر نیز چیزی است که علاوه بر داوری خرد و سرشت بشری، از سوی آیات قرآن نیز مورد تأکید قرار گرفته است. چنان که در بسیاری از آیات، اهل کتاب مخاطب قرار گرفته اند و از ایشان خواسته شده است تا به پیامبر اسلام ایمان آورند و بر شرایع پیشین توقف نمایند:

«یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبین لکم علی فتره من الرسل ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لاذیر فقد جاءکم بشیر و نذیر» مائده/۱۹

ای اهل کتاب! رسول ما - محمد(ص) - در روزگاری به سوی شما آمد که مدت زمانی می گذشت پیامبری مبعوث نشده بود، مبدا بگویند بشارت دهنده و بیم دهنده ای به سوی ما نیامده است، چرا که اکنون به سوی شما آمده است.

«و لو آمن اهل الکتاب لکان خیراً لهم» آل عمران/۱۱۱

و چنانچه اهل کتاب - به رسالت پیامبر اکرم و حقانیت وحی قرآن - ایمان آورند، برایشان بهتر است.

«و لو ان اهل الکتاب آمنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم و لأدخلناهم جنّات النعیم» مائده/۶۵
و اگر اهل کتاب ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، گناهان - گذشته - آنان را خواهیم زدود و ایشان را به باغهای پر نعمت وارد خواهیم ساخت.

این گونه آیات، اهل کتاب و پیروان سایر ادیان را تشویق می کند که به نور و هدایت قرآنی ایمان آورند و گامی فراتر نهند و بر آیین پیشین توقف نکنند.

۳. وحدت حق و صراط مستقیم.

در آموزه های معرفتی قرآن، حق چند پاره و متکثر و یا نامشخص و مبهم و دست نیافتنی شناخته نشده است. چه اینکه اگر حق چند پاره و متکثر و نامشخص و کلیت آن دست نیافتنی بود، هرگز دلیلی وجود نداشت که صراطی بر صراط های مستقیم افزوده شود و برای دعوت به راه و پیام جدید از عنصر صبر، جهاد و دفاع استفاده شود و شهادت در راه آن مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد.

«ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لاتتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلی»

این صراط مستقیم من است، پس آن را پیروی کنید و به راه های مختلف گام ننهید؛ زیرا گام نهادن در مسیرهای دیگر، شما را از راه من دور خواهد کرد.

«قل إني هديني ربي إلی صراط مستقیم دیناً قیماً» انعام/۱۶۱

بگو پروردگارم مرا به صراط مستقیم که همان دین استوار است هدایت کرده است.

قرآن در قبال «صراط مستقیم» از یک سو «سُبُل» را مطرح کرده است که به منزله راه ها و روشهای فرعی و انشعابی است و می توان آن را به معنای «مذهبها» دانست که به طور معمول روشهای انشعابی در یک دین را تشکیل می دهند، و از سوی دیگر در برابر «صراط مستقیم»، «راه مغضوبان» و «راه گمراهان» را معرفی کرده است. درباره فرق این دو راه گفته شده «مغضوبان» آنانند که اهداف نادرست و مخالف عقل و دین و فطرت را برگزیده اند، ولی «گمراهان» کسانی هستند که اهداف نیک و شایسته را می جویند، اما در یافتن و دست یابی به اهداف، راه را گم کرده اند. (ر.ک: المیزان، ۲۶/۱)

۴. مسؤولیت مؤمنان در قبال دین و ارزشهای دینی.

ادیان در برابر نور و هدایتی که برای مخاطبان خود آورده اند، مسؤولیتهایی را نیز بر دوش آنان نهاده اند. در حقیقت هدایت و سعادت بخشی یک دین سرمایه ای است که در اختیار مؤمنان به آن قرار گرفته است و شرط بهره وری از این سرمایه آن است که:

یک. آن را با قوت و دقت و به درستی و کمال دریافت کرده و فهم کنند.

«خذوا ما آتیناکم بقوة» اعراف/۱۷۱

دو. در عمل به آموزه های دینی و حاکمیت بخشی به آن در صحنه زندگی فردی و اجتماعی تمام همت خود را به کار گیرند.

«یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط» مائده/۷

قرآن از اهل ایمان خواسته است تا قیام برای خدا و پایمردی در مسیر حق را در عمل مجدثانه به دین - آن هم نه یک عرصه، بلکه در همه عرصه هایی که دین در آن عرصه ها اظهار نظر کرده است - جست و جو کنند.

«فأما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فیوقیهم أجورهم» نساء/۱۷۳

دریافت پاداش کامل از سوی خداوند، منوط به قرین آمدن ایمان و عمل صالح در زندگی مؤمنان است.

فراگیری و گستردگی عرصه هایی که دین برای عمل فراروی مؤمنان گشوده، به گونه ای است که به اهل ایمان اجازه نمی دهد تا در برابر کج روی های اخلاقی و اجتماعی بی تفاوت بمانند و سکوت اختیار کنند؛ زیرا گستره برنامه ها و وظایف دینی همه مسائل عبادی مانند نماز، روزه و حج، و مسائل اجتماعی مانند حقوق اجتماعی انسانها در زمینه مال و جان و حیثیت، حق مالکیت، قصاص و...، حفظ وحدت و روحیه مسالمت جویی، چگونگی تنظیم مناسبات با اهل کتاب، کافران و مشرکان؛ مسائل اقتصادی چونان انفاق، زکات، خمس، پرهیز از معاملات ربوی، و مسائل دفاعی و نظامی مانند جهاد و هجرت و پایداری در برابر تهاجم دشمنان و مسائل اخلاقی را با دامنه گسترده آن دربرمی گیرد.

برای توجه اجمالی و سریع به گستردگی دامنه نظرگاه های قرآن در مسائل فردی و اجتماعی مؤمنان، کافی است تنها به آیاتی مراجعه شود که با جمله «یا ایها الذین آمنوا» در قرآن شروع شده است، و البته دیدگاه قرآن در طرح این مسائل، تنها ارائه رهنمود بدون در نظر گرفتن مسؤلیت برای انسانها نبوده است، بلکه پس از گشودن هر ساحت، با جدیت تمام از مؤمنان خواسته شده است تا تعهد ایمانی خود را با عمل به هدایتها و آموزه های دینی نشان دهند و چنانچه راهی جز آن راه روند و حکمی جز آن حکم کنند در زمره ستمکاران و کافران خواهند بود.

«و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظالمون» مائده/۴۵

«و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون» مائده/۴۴

سه. از قلمروهای اعتقادی و عملی دین با جان و مال و تمام هستی خود دفاع کنند.

«إن الله اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة» توبه/۱۱۱

«یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا» آل عمران/۲۰۰

«إنما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا بأموالهم

و أنفسهم فی سبیل الله أولئک هم الصادقون» حجرات/۱۵

چهار. در حفظ سلامت جامعه دینی بی تفاوت و سهل انگار نبوده، بلکه نقش فعال داشته باشند.

«... الأمر بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین»

توبه/۱۱۲

«کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» آل

عمران/۱۱۰

۵. لزوم تنظیم مناسبات و روابط فردی و اجتماعی، بر پایه ایمان و کفر.

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که مناسبات و علایق اجتماعی و عاطفی فرد مؤمن با سایر افراد جامعه و یا رابطه جامعه ایمانی با سایر جوامع را مورد توجه قرار داده و یکی از ملاک های عمده برقراری روابط دوستانه و همراه با الفت و اعتماد را ایمان و اشتراک در عقیده و دین دانسته است.

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا بطانَةً من دونکم» آل عمران/۱۱۸

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الکافرین أولیاء» نساء/۱۴۴

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى أولیاء» مائده/۵۱

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً من الذین أوتوا الكتاب من قبلکم و

الکفار أولیاء» مائده/۵۷

۶. وجوب جهاد و مبارزه با کفر و شرک و فتنه و فساد.

«یا ایها النبى جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم» توبه/۷۳

«فلا تطع الکافرین و جاهدکم به جهاداً کبیراً» فرقان/۵۲

«وقاتلوا فی سبیل الله و اعلموا أن الله سمیع علیم» بقره/۲۴۴

«و قاتلوهم حتی لاتکون فتنةً و یکون الدین لله» بقره/۱۹۳

نتیجه ای که از تعالیم قرآن در سه زمینه (۱. تعیین مرزهای اعتقادی، اجتماعی و رفتاری. ۲.

دفاع از قلمروهای دینی در برابر هجوم فکری و فیزیکی ۳. اهتمام به توسعه دینی و گسترش

بخشیدن به دایره حضور و حاکمیت دین در جامعه بشری و هموار ساختن راه سعادت و هدایت هر چه بیشتر انسانها و انسانهای بیشتر) حاصل می آید این است که رسالت پیامبر

خاتم(ص) و وحی قرآنی هر چند در استمرار رسالت انبیای پیشین و کتابهای آسمانی قبلی و تصدیق کننده آنهاست، اما لازمه ایمان به ربوبیت الهی و تسلیم در برابر حق متعال این است که انسانها پس از پی بردن به حقانیت رسول و وحی آسمانی جدید، و پس از مشاهده دلایل قانع کننده، به آن ایمان آورند و بر کتاب و شریعت پیشین توقف نمایند.

بنابراین کسانی که به رغم آگاهی به حقانیت و الهی بودن یک پیام به آن ایمان نیاورده و یا با در اختیار داشتن راه معرفت، از پیمودن راه خودداری کرده و به تحقیق و بررسی نپرداخته اند، گرفتار نوعی کفر و حق پوشی شده اند، هرچند به برخی از انبیای پیشین و کتابهای آسمانی قبلی اظهار ایمان و پایبندی کنند.

بر این اساس با آمدن کتاب آسمانی جدید و شریعت نوین، تنها ایمان به کتابهای پیشین کافی و نجات بخش نخواهد بود و کسانی که خواهان سعادت و رستگاری هستند باید به همه انبیا و کتابهای آسمانی - بدون استثنا - ایمان داشته باشند و البته لازمه چنین ایمانی پایبندی به آخرین شریعت و برنامه آسمانی است؛ زیرا آخرین برنامه و دستورالعمل عبادی و اجتماعی، کامل ترین و متناسب ترین برنامه برای مخاطبان پیام الهی است.

نتیجه اینکه قراءتها و تفسیرهای دینی پیروان ادیان، از مفاهیم و معارف بنیادی دین خود و نیز شریعت و برنامه عملی و عبادی هر دین، زمانی که با بیان و توضیح آخرین پیام الهی و شریعت آسمانی ناسازگار باشد «صراط مستقیم» و «راه خدا» شناخته نخواهد شد و از این رو پایبندی به هرگونه اعتقاد دینی و رفتار مذهبی، نمی تواند اسلام و تسلیم در برابر حق متعال به شمار آید و مایه رستگاری و نجات باشد. چه اینکه اگر هرگونه قراءت و تفسیر و تأویل دینی و هر نوع عمل عبادی - اخلاقی - اجتماعی می توانست «صراط مستقیم» به حساب آید و نجات بخش باشد، اساساً فرود آمدن وحی جدید و کتاب و شریعت نوین، ضرورت و اولویتی نداشت.

کسانی که این باورها را پذیرفته و به دین خاتم ایمان آورده باشند، به طور طبیعی دیگران را که چنین ایمانی نیاورده اند، در دایره مؤمنان و رستگاران نمی بینند و نسبت خود را با مؤمنان و غیرمؤمنان یکسان نمی سنجند و البته به

حکم آیین خود در برابر هم کیشان تعهداتی دارند که در برابر دیگران چنان تعهداتی را نخواهند داشت؛ یعنی مرزهای اعتقادی به مرزبندی رفتاری و اجتماعی نیز کشیده می شود.

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین» نساء/ ۱۴۴

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فإِنَّه

منهم» مائده/ ۵۱

«محمد رسول الله و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم» فتح/ ۲۹

این گونه مرزبندی اعتقادی و اجتماعی، در مرحله نخست به معنای خصومت ورزی و ناسازگاری و ستیز پیروان ادیان با یکدیگر خواهد بود، بلکه تنها نوعی تدبیر برای حفظ هویت و موجودیت و هضم نشدن در هاضمه دیگر فرهنگها و ملتهاست. اما از آنجا که هم در تمایلات روحی و ادراکی انسان و هم در آموزه های دینی، جذب دیگران به مجموعه خودی و کاستن از اقتدار و شوکت و عده و عده

مجموعه های غیرخودی - گمراه و حق ناباور - وجود دارد، این مرزگذاری ها به تدریج به جدالهای لفظی و فکری و در نهایت به درگیری های عملی می انجامد، و حتی اگر این نوع نگاه به مقوله دین و سعادت و هدایت، دو سویه هم نباشد و تنها یک طرف در صدد یارگیری از طرف مقابل برآید و به تبلیغ و نفوذ در پیروان سایر ادیان پردازد، دست کم سایر ادیان را به دفاع از قلمرو خود واداشته و این نفوذ و دفاع به درگیری و خصومت ورزی می انجامد.

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَقَرَارًا» بقره/۱۰۹

«وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضَلُّونَكُمْ» آل عمران/۶۹

«وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجِهَ النَّهَارِ وَاکْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» آل عمران/۷۲

دفاع از قلمروهای اعتقادی و اجتماعی یک دین، علاوه بر آن که به حکم طبیعت بشری صورت می گیرد، از سوی ادیان به عنوان یک حرکت مقدس، بلکه از مقدس ترین رفتارهای دینی تلقی شده، تا آنجا که جان باختن در راه چنین دفاع و تلاشی، شهادت و رستگاری بزرگ معرفی شده است.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ مِنْ أَكْثَرِ مَا كَفَرُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» توبه/۹

این گونه نتیجه گیری از معارف و مفاهیم دینی، هر چند در این نوشته با استناد به آیات قرآن صورت گرفت، اما اختصاص به قرآن و اسلام و مسلمانان نداشته و نخواهد داشت، بلکه نظیر چنین آموزه ها و برداشتهایی در سایر کتابها و ادیان نیز دیده می شود، و تاریخ گذشته ادیان نیز نشان می دهد که فهم و رفتار پیروان مختلف هر دین، در ممتاز شمردن آیین خویش و تلاش برای هدایت دیگران و نیز دفاع از بنیادهای اعتقادی و هویت دینی خود، فهم و رفتاری فراگیر بوده؛ هر چند به تناسب شرایط و اقتضاها نوسان داشته است.

انگیزه های برون دینی همسازی یا ناهمسازی ادیان

چنان که یاد شد، همسازی ها و ناهمسازی های شکل گرفته میان ادیان، بخشی به عوامل درون دینی و مبانی معرفتی و آموزه های مذهبی باز می گردد و برخی به انگیزه های برون دینی و ملاحظات سیاسی - اجتماعی - ملی و مناسبات قدرت و... که در این نوشته، بیشتر به عوامل درون دینی اشارت رفت و در انتظار فرصتی دیگر خواهیم بود تا از یک سو به انگیزه ها و زمینه های برون دینی پرداخته از سوی دیگر به طرح این موضوع توفیق یابیم که به راستی با وجود این زمینه ها و عوامل مختلف برای مرزبندی های دینی چگونه می توان به تعامل و هم اندیشی و همکاری ادیان در ساختن جهانی برتر و انسانی تر و معنوی تر اندیشید و امیدوار بود؟

